

ربا

امیرالمومنین علیه السلام: ای مردم! ابتدا احکام را یاد بگیرید، سپس تجارت کنید! به خدا قسم که ربا در میان این امت نا پیدا تر از حرکت مورچه بر روی تخته سنگ است!

قرآن، کتاب خداست. کسی که خلقت و قوام هستی بدست اوست و آنچنان مقتدر بر آسمانها و زمین سیطره دارد که چنین امری برایش سهل و یسیر می نماید.

(العنکبوت).

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۱۹)

آیا ندیده‌اند که خدا چگونه آفرینش را آغاز می کند سپس آن را باز می گرداند در حقیقت این [کار] بر خدا آسان است

اکنون، شما تصور کنید چنین وجودی، کلماتی را در قالب یک کتاب الهی برای هدایت بشر ارائه کرده است. خداوند، قرآن کریم را کتابی علمی و مبتنی بر علم، معرفی کرده است.

(الأعراف).

وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۲)

و در حقیقت ما برای آنان کتابی آوردیم که آن را از روی دانش روشن و شیوایش ساخته‌ایم و برای گروهی که ایمان می آورند هدایت و رحمتی است

متون مربوط به علوم گوناگون، از پشتوانه واژگان تخصصی برخوردار هستند. نمی توان در خصوص یک علم بخصوص، بصورت تخصصی مطالبی ارائه کرد بدون اینکه از واژگان علمی خاص آن علم بهره گرفت. بعنوان مثال، واژه Laser در سابقه لغات غربی وجود ندارد بلکه شکل اختصاری کلماتی است که کنار یکدیگر تعریف کننده لیزر هستند:

"لیزر در واقع مخفف عبارت Light Amplification by Stimulated Emission of Radiation است. معنای این عبارت "تقویت نور با گسیل القایی تابش" است."

با این مقدمه، خداوند که کتاب خود را کتابی علمی معرفی نموده، باید دارای ساختار کلامی به مراتب قدرتمندتر از بشر مخلوق خود باشد.

در علوم بشری، کلمات تخصصی، بطور مشخص تعریف شده اند و چنانچه نیاز به اصلاح باشد در قالب سیر علمی و پژوهشی، اصلاح می گردند.

اما ، در قرآن ، چنین چیزی اتفاق نیفتاده است و تعریف تخصصی کلمات قرآن و ارکان اصلی آنها را که میتوان تاویل نامید ، بطور آشکار و ساده و شفاف بیان نشده است.

از سوی دیگر، کتاب خدا نمی تواند از بنیان ، گنگ و مبهم باشد و قطعاً هدایت های بنیانی برای فهم تخصصی آن ، در این کتاب الهی وجود دارد. اما راز کار کجاست؟

پاسخ ساده است. راز کار در نام کتاب خدا و متن صریح قرآن ، موجود است. کلمه قرآن ، راز روش پژوهش در کتاب خداوند را در خود مستور دارد و علم قرآن و فهم مقصود بنیانی و اصلی کلمات تخصصی قرآن ، از جنس رسوخی است یعنی باید در کلمات قرآن ، رسوخ علمی کنیم! به همین جهت خداوند در نص قرآن ، می فرماید که تاویل کلمات قرآن را راسخون در علم در می یابند.

(آل عمران).

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (۷)

اوست کسی که این کتاب [=قرآن] را بر تو فرو فرستاد پاره ای از آن آیات محکم [=صریح و روشن] است آنها اساس کتابند و [پاره ای] دیگر متشابهاتند [که تاویل پذیرند] اما کسانی که در دلهاشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تاویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می کنند با آنکه تاویلس را جز خدا و ریشه داران در دانش کسی نمی داند [آنان که] می گویند ما بدان ایمان آوردیم همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی شود

پیامبر خدا (ص) نیز تاکید فرموده اند که کلمات قرآن ، بطن دارند.

قال النبي صلى الله عليه وآله : «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنَ ، وَلِبَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ»
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «قرآن ظاهر و باطنی دارد ، و باطن آن هم باطنی دارد ، تا هفت باطن»

وقتی خدا و پیامبر او تاکید می کنند که کلمات قرآن دارای بواطن هستند یعنی این مسئله، یک تعارف ادبیاتی نیست و کاربرد علمی دارد.

کلید پژوهش در قرآن ، در خود کلمه قرآن ، مستور است.
قرآن (بر وزن فعلان) : ق ر ء ا ن : قِیم ، ركب ، اختصار ، اعداد ، نص
قیم ، یعنی کلام خدا پاینده است و رهنمون علمی تمام دورانهاست

(البینه).

فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ (۳)

که در آنها نوشته‌های استوار است

رکب ، یعنی معانی ساده بر معانی تخصصی ، راکب شده اند و در ظاهر امر ، کلماتی بدوی و سهل می نمایند.
اختصار ، یعنی کلمات قرآن ، شکل اختصاری کلمات دیگری هستند که اساس علمی آن کلمه را تشکیل می دهند.

(. النحل).

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۳۴)

[زیرا آنان را] با دلایل آشکار و نوشته‌ها [فرستادیم] و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند

در علم حروف و اعداد، وقتی حرفی را بصورت ملفوظی می نویسند (مانند حرف ن بصورت نون) حرف اول آن را زبر و مابقی را بینه می گویند.
اعداد، یعنی کلام قرآن ، قدرتمندترین ارتباط منطقی و ممکن را با اعداد، ریاضیات و ارزشهای عددی حروف ، برقرار می کنند.

(. الجن).

لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَخْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (۲۸)

تا معلوم بدارد که پیامهای پروردگار خود را رسانیده‌اند و [خدا] بدانچه نزد ایشان است احاطه دارد و هر چیزی را به عدد شماره کرده است

نص ، یعنی کلام صریح و آشکار

اکنون بیایید بر اساس مستندات فوق ، به کلمه تخصصی ربا در قرآن بپردازیم.

(. البقرة).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۷۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید.

نص ربا یا معنی آشکار و روشن ربا عبارتست از افزون و زیادی و چون در کتاب خدا حکم به حرمت آن شده است ، معنای " افزون و زیادی غیر صحیح و ناحق " قابل استنباط است.
خداوند آسیب شناسی اقتصاد را در کلمه ربا خلاصه کرده است. اگر از کسب افزون و زیادی ناحق ممانعت بعمل بیاید ، توزیع عادلانه ، محقق خواهد شد.
اما آنچه که تاکنون مغفول مانده است باطن حروف ربا است که رهنمون اقسام ربا می باشد.
حروف ربا ما را هدایت می کنند که سه قسم افزون و زیادی ناحق در اقتصاد وجود دارد که نهادینه شدن آنها در جامعه ، زیانهای جبران ناپذیری به بار خواهد آورد.
اما این سه چیز کدام هستند؟

کلمه ربا ، بعنوان شکل اختصاری آسیب شناسی اقتصاد (در قالب افزون و زیادی ناحق) در دو سطح خرد و کلان ، در آیه ذیل قابل مدايقه می باشد:

(.هود).

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ)

(۸۵)

و ای قوم من پیمانۀ و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید این آیه اشاره به سه مسئله دارد که هر یک رهنمون تاویل یکی از سه حرف ربا در دو بخش خرد و کلان می باشد.

۱- أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ : پیمانۀ و ترازو را به داد تمام دهید

۲- وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ : و حقوق مردم را کم مدهید

۳- وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ : و در زمین به فساد سر برمدارید

۱- پیمانۀ و ترازو را به داد تمام دهید : در سطح خرد، اخذ افزون بر اصل هر چیز و در سطح

کلان ، ساختار غلط و نوسانی ارزشگذاری ملزومات و نظام مالی غیر عادلانه

۲- حقوق مردم را کم مدهید : در سطح خرد ، کم فروشی و در سطح کلان ، نظام تخصیص

ناکارآمد و ناعادلانه عیش و ثروت حقیقی در جامعه

۳- در زمین به فساد سر برمدارید : در سطح خرد ، محاسبه قیمت زمین در تمام طبقات ساخته

شده بر روی آن و در سطح کلان ، ساختار غلط شهرها و تخصیص ناعادلانه و نا

صحیح زمین و عدم تحقق ملزومات ارکان شهر نوین اسلامی (صنعت، بیوت،

رضوان)

این سه مورد به ترتیب در قالب سه واژه : ردّی ، بخشی و ارضی در کلمه ربا قابل مدايقه می باشد.

ربا : ر ب ا : ردّی ، بخشی ، ارضی

تاویل ربا ، آسیب شناسی اقتصاد غیر اسلامی در قالب حروف ربا و در دو سطح خرد و کلان می باشد: ربا: ر ب ا : ردی ، بخشی ، ارضی
 ارکان ربا در آیه ذیل خلاصه شده است:
 (هود).

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۸۵)

و ای قوم من پیمانہ و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید

<p>پیمانہ و ترازو را به داد تمام دهید : در سطح خرد، اخذ افزون بر اصل هر چیز و در سطح کلان ، ساختار غلط و نوسانی ارزشگذاری ملزومات و نظام مالی غیر عادلانه</p>	<p>ربای ردی</p>
<p>حقوق مردم را کم مدهید : در سطح خرد ، کم فروشی و در سطح کلان ، نظام تخصیص ناکارآمد و ناعادلانه عیش و ثروت حقیقی در جامعه</p>	<p>ربای بخشی</p>
<p>در زمین به فساد سر برمدارید : در سطح خرد ، محاسبه قیمت زمین در تمام طبقات ساخته شده بر روی آن و در سطح کلان ، ساختار غلط شهرها و تخصیص ناعادلانه و نا صحیح زمین و عدم تحقق ملزومات ارکان شهر نوین اسلامی(صنعت، بیوت، رضوان)</p>	<p>ربای ارضی</p>

ربای ارضی در سطح خرد ، عبارتست از محاسبه قیمت زمین در تمام طبقات ساخته شده بر روی آن

اصلاح معضل ربای ارضی در سطح خرد برای سامان یافتن وضعیت مسکن جوانان و قشر محروم جامعه از اهمیت بالایی برخوردار می باشد و در صورت تحقق این مهم، زمینه تشکیل خانواده برای جوانان در سایه تامین مسکن آنها در آغاز زندگی زناشویی میسر خواهد شد.

حتی عقل ساده نیز نمی تواند بپذیرد که ارزش یک زمین واحد در تمام طبقات آن بصورت کامل، محاسبه شود. در هر صنف و شغلی ، درصد معین و معقولی را به هزینه تمام شده کالا یا خدمات، اضافه می کنند و عجیب است که صنف ساخت و ساز مسکن از اصلاح این معضل ، به نفع سرمایه دارها و طماعانی که عمدتاً حتی فاقد دانش ساخت و ساز اصولی هستند سر باز می زند. با اصلاح این مسئله، قیمت مسکن بر اساس ارزش حقیقی خود محاسبه و عرضه خواهد شد و زمینه خانه دار شدن خانوارهای محروم فراهم می شود.

(البقره).

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (۱۱)

و چون به آنان گفته شود در زمین فساد مکنید می گویند ما خود اصلاحگریم